بارگاه او جل و علا برداشته است روی می کند خالی در خلا و ملا شرح وان لا

یستعجل بان یستبطئ الاجابة او یقول دعوت فلم یستجب

لی ح م د س ق عجله بفتحتین شتافتن از علم بطوء بضم درنگ کردن از باب

کرم یعنی در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابو داود و ترمذی و ابن ماجه مروی است از

ابو هریره رض شتاب نا شدن داعی و طلب کردن او خیر را پس از وقتش یا از

طریق که بطی و بعید شمارد وقت اجابت را و یا نا گفتن داعی که دعا کردم پس

استجابت نشد برای من اول در مقام رجاست و دوم در مقام یاس پس کلمه او

برای تنویع است پس یقول معطوف است بر یستعجل و در ضمن این اشارتی است

بسوی آنکه داعی ترک دعا نکند به سبب تاخیر اجابت و لهذا بعض سلف گفته اند

اسال الله منذ عشرین سنة حاجة هی توفیق ترک ما لا یعنی وما اجابنی

وانا ارجو الاجابة و مولانا حنفی گفته که کلمه او برای تخییر است و عطف یقول

بر یستبطی و معطوفین تفسیر استعجال است لیکن تاسیس اولیست مروی است

ابو هریره رضی الله عنه که آنحضرت فرموده است یستجاب لاحدکم ما لم یعجل

یقول دعوت فلم یستجب لی فیحسر عند ذلک ویدع الدعاء و بالا

گذشته است که از دعا متخلف نمیشود اجابت قال الله تعالی ادعونی استجب

لکم لیکن اجابت را انواع است کما سبق هرگاه فارغ شد مصنف رحمه الله

از آداب دعا شروع کرد در آداب ذکر که موجب ذکر ند بر وجه کمال و گفت

آداب الذکر باید دانست که آنچه مذکور است در آداب ذکر معتبر است

در آداب دعا از غیر عکس و عجب است از شارح حنفی که بعکس نیز قایل شده است

قال العلماء ینبغی ان یکون ذلك الموضع الذی یذکر الله فیه نظیفا

خالیا وان یکون الذاکر علی اکمل الصفات المتقدمة وان یکون

فمه نظیفا وان کان فیه تغیر ازاله بالسواک وان کان جالسا فی موضع

المستقبل القبلة متخشعا متذللا بالسکینة والوقار وحضور قلب یتدبر ما

یذکر ویتعقل معناه فان جهل شیئا منه تتبع معناه ولا یحرص علی تحصیل

الکثرة بالعجلة فلذلک استحبوا ان یمد صوته بقوله لا اله الا الله وکل

ذکر مشروع واجبا کان او مستحبا لا یعتد بشیء منه حتی یتلفظ به و

یسمع نفسه تفسیر یذکر معلوم است و مجهول نظافت پاکیزگی از باب کرم نظیف

لغت است از دوازالت دور کردن سواک بکسر چوب دندان مال سواک مثله

خشوع فروتنی کردن از باب فتح قبل بکسر نرمی و رام شدن ضد صعوبت و دابة

ذلول ستور رام سکینه و وقار هر یک بمعنی آهستگی است اول از باب نصر

دویم از باب کرم و ضرب و بعضی گفته است که سکینه نرمی کردن است در حرکت

و دور شدن است از بیهوده و مانند آن و وقار نرمی کردن است در هیبت و

دل شنیدن حشم و پست کردن آواز کما فی شرح مسلم تدبر تفکر تعقل تصور

تتبع پیدا کردن و شدن متعدی و لازم است ای طلب نماید و در نسخه است

تبین بصیغه مضارع حرص آرزومند شدن از باب ضرب و علم و نص لغت

از و عجله یعنی شتافتن از باب علم اعتداد شمردن لا یعتد بصیغه مجهول است

تلفظ افکندن از دهان اسماع شنوانیدن سخن توضیح قال العلماء یعنی

محدثان گفته اند پس درین اشارت است بسوی آنکه آداب ذکر منصوص نیست

از شارع و محدثان از روی قیاس گفته اند و لهذا المصنف رحمه الله تعالی

گفت یعنی می باید این که باشد موضعی که ذکر کنند ذاکر یا ذکر کرده شود خدا را

Copyright © King Saud University